

متن پرسش

سلام علیکم: می خواستم نظر جناب عالی را در مورد این مطلب و صحت گزاره های بیان شده از نگاه ملاصدرا و تفکر نویسنده آن بدانم. با تشکر «تقدم روح بر جسم یا جسم بر روح؟ یکی از شایع ترین سوالات درباره زندگی مادی، وجود روح و در صورت وجود آن تقدم روح بر جسم یا جسم بر روح می باشد. ملاصدرا یکی از فلاسفه اسلامی بود که در این باره جمله معروفی دارد که به قاعده «جسمانیه الحدوث و روحانیه البقا» مشهور شده است و یکی از مشخصه های حکمت صدرایی هم هست.

ملاصدرا می گوید: نفس در ابتدا موجودی بالقوه و عاری از هر کمالی است و شباهت زیادی به جسم دارد. به عبارتی دیگر، آخرین مرحله جسمانی و اولین مرحله روحانی است که در این مرحله نه جسم محض و نه روح محض است، بلکه کمال جسم و قوه روح بوده و نهایتاً به مجرد محض رسیده و از جسم بی نیاز می گردد. در این نظریه برخلاف عقیده حکما و فلاسفه پیشین اشرافی، که معتقد بودند نفس انسانی غیرمادی است و پیش از بدن در ملکوت زندگی می کند و پس از شکل یافتن بدن کودک به کالبد او وارد می شود و زندگی را با جسم مادی آغاز می کند، گفته می شود که نفس در مراحل نخستین آفرینش خود مادی است و از ماده تراوش می کند، ولی به تدریج راه جداگانه ای در پیش می گیرد و رو به مجرد از ماده می نهد و به اوج مجرد خود (از ماده) می رسد. ملاصدرا در همه آثار و کتب خود مانند فلاسفه دیگر مسلمان، نام این موجود را «نفس» می گذارد، ولی از آنجا که در منابع فلسفی و مذهبی گاهی کلمه «روح» نیز به همین معنا (یا نزدیک به آن) به کار رفته است و گاهی در تعبیرات، جای این دو کلمه با هم عوض می شود و آنها را به جای یکدیگر به کار می برند، این پرسش پیش می آید که آیا روح، همان نفس است یا معنای دیگری دارد و اگر روح اشاره به مفهوم غیرمادی دیگری است آن مفهوم چیست و با نفس چه رابطه ای دارد. در آثار و کتب ملاصدرا علاوه بر کلمه نفس، گاهی روح نیز با معانی گوناگون بکار رفته و می توان آن را به چهار معنی محدود کرد. اول، همان که در میان فلاسفه مشائی و پزشکان، به «روح بخاری» معروف بوده است. ملاصدرا در این باره در بیشتر کتب خود آن را جرمی لطیف و شاید امری غیرمادی در مرتبه بین جسم و نفس و واسطه و رابط میان آن دو دانسته و در یکی از کتب خود پس از ذکر اقسام قوای ذهنی و ادراکی انسان، چنین می گوید: آنچه به آن روح حیوانی می گوئید، این روح ملکوتی نیست، بلکه مربوط به این جهان است و زود از بین می رود و به جهان آخرت نمی رسد. دوم فرشته بزرگ و توانایی که رابط میان اراده الهی و مخلوقات و موجودات است و به آن «روح القدس» هم گفته می شود و در قرآن و حدیث نیز آمده و گاهی به همین معنا به کار رفته است. ملاصدرا گاهی آن را تعبیری از مجموعه «عقول» یا فرشتگان

دانسته و می گوید: عقول به سبب کمال و فعالیت خود همچون شی واحدی می باشند و از این شیء واحد که در واقع اشاره به همه عقول بی شمار است، گاهی با کلمه روح تعبیر می شود. سوم، به همان معنای نفس و به صورت دو کلمه مترادف نیز به کار رفته است و ملاصدرا نیز «روح» و «نفس» را به یک معنا به کار برده و گاهی روح را ادامه نفس و مرحله ای از کمال و تجرد کامل آن دانسته است. چهارم، روح به معنای موجودی از نفس؛ که برخلاف نفس، آن حقیقت غیرمادی فعلیت یافته ای است که از مرتبه ملکوتی خود به عالم ماده فرود می آید و در جسم انسان اقامت می کند و پس از مرگ و جداشدن از بدن، اگر شایستگی خود را حفظ کرده باشد دوباره به جایگاه خود می رود یا در صورت ناشایستگی و گناه، به جایی دیگر فرستاده می شود. این همان روح مصطلح نزد حکمای اشراقی و معروف تر از همه، سقراط و افلاطون است و موضوع بحث ما در این نوشته نیز همین نظر ملاصدرا است. اعتقاد به این روح آسمانی، از نظر فلسفی، به ظاهر نقطه مقابل نظریه معروف ملاصدرا و اعتقاد وی به «جسمانیه الحدوث» بودن نفس است. اگر نفس همان روح باشد و روح را موجودی مجرد بدانیم که با وجود کمال خود از آسمان به زمین می آید و به تن داخل می شود، دیگر معنی ندارد که آن را زاییده تن بدانیم که با حرکت جوهری ماده بوجود آمده است و با همان حرکت ذاتی پیوسته به اوج تجرد می رسد و با مرگ از تن جدا و رها می شود.»

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در هر صورت ما قبول داریم که نفس یک عالم عامل، در ذات خود غیر از نفس یک انسان معمولی است نه این که این دو در مقام نفس یکسان اند و تنها کمالات آن عالم عامل عارض نفس شده زیرا در این صورت ذات عالم که حقیقت آن شخص است در حدّ یک انسان عامی است و هیچ کس این را در خود وجدان نمی کند و حرکت جوهری نیز روشن می کند که از آن جایی که نفس به جسم تعلق دارد حالات جسم که حرکت ذاتی آن است بر نفس سرایت می کند و مابالقیه آن به فعلیت می رسد. حال آیا واژه ی نفس و روح همیشه به جای هم به کار می رود آری در بسیاری موارد این طور است و از خود جمله می توان فهمید آیا منظور از روح همان نفس ناطقه است یا مقام متعالی تر آن مدّ نظر است. موفق باشید